

ویژه‌نامه تا انتخاب یازدهم (۶) اخلاق انتخاباتی

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۳۰۰۵

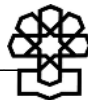
خردادماه ۱۳۹۲

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۵	۱. اخلاق، حقوق و سیاست
۱۲	۲. جرم‌انگاری بد اخلاقی انتخاباتی
۲۷	۳. خلأهای قانونی
۴۰	نتیجه‌گیری
۴۱	منابع و مأخذ



ویژه‌نامه تا انتخاب یازدهم (۶) اخلاق انتخاباتی

چکیده

هرچند که گم‌وکیف رقابت‌های سیاسی را قانون انتخابات و آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط با آن صورت‌بندی می‌کنند ولی عنصر اخلاق تنها در ساحت نرم‌افزاری و مآلاً تبلیغی در حوزه‌های خارج از ساختار و قانون انتخابات مورد توجه و امعان نظر قرار گرفته است که نمی‌تواند نقش سازنده‌ای را در اخلاقی کردن انتخابات ایفا کند. نهادهای قانونگذار نیز به‌ندرت به این مهم پرداخته‌اند تا از این طریق زمینه‌ها و بسترهای سلامت بیش از پیش انتخابات را در کل فرآیند آن فراهم آورند. با این حال، پرهیز از جرم‌انگاری بداخلاقی انتخاباتی با این دستاویز که اخلاق و حقوق از دو گونه متفاوتند، اگر در دمکراسی‌های لیبرال جایی برای خود داشته باشد - در نظام‌های سیاسی - مذهبی چندان متکی به پشتوانه استدلال منطقی نیست. زیرا اصول و احکام مذهبی عالی‌ترین مصداق اخلاق بوده و با تجویز ورود آنها در عرصه حقوق، جرم‌انگاری بداخلاقی انتخاباتی نیز چندان با مشکل فلسفی برخوردار نخواهد بود. علیهذا، در کشور ما قوانین و مقررات انتخاباتی و کیفری اهتمام جدی به این‌گونه جرم‌انگاری یا حداقل به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در این خصوص به خرج نداده‌اند. شاید دلیل این بی‌اعتنایی به بداخلاقی سیاسی همان تفاوت حوزه‌های حقوق

و سیاست و اخلاق باشد. با این حال، خارج از نهاد قانونگذاری، هم‌اکنون در کشور درخصوص موضوع اخلاق انتخاباتی بحث‌های جدی در گرفته است. تدوین منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران سرلوحه تدوین قانونی مناسب درخصوص رعایت الگوها و قواعد اخلاقی در انتخابات قرار گرفته است. با اقدام در این عرصه دیگر شاهد بداخلاق‌های انتخاباتی که در تجربه فتنه ۱۳۸۸ آسیب‌های جدی به روحیه اجتماعی کشور وارد آورد، نخواهیم بود.

مقدمه

رعایت اخلاق انتخاباتی بخش مهم مردم‌سالاری دینی است و درواقع از لوازم آن محسوب می‌شود، در جمهوری اسلامی ایران نیز این مسئله مورد اهتمام گروه‌های سیاسی و نیز نظام بوده است.

با این حال، برخی شیطنتها و اقدامات ضدارزشی برخی نامزدها و طرفداران آنها در فرآیند انتخابات - علی‌الخصوص در انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ - که منجر به مخدوش شدن نظم و آرامش عمومی و اهانت به مقدسات مذهبی و در نتیجه به‌عنوان دستاویزی برای دخالت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و معاند با نظام در جهت ایجاد اغتشاش و آشوب در کشور بدل شد، موضوع جلوگیری از «بد - اخلاقی»^۱ انتخاباتی را در آستانه برگزاری یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در محافل سیاسی و حقوقی کشور مطرح کرده است. لذا معرفی و پیش کشیدن



موضوع «سیاست اخلاقی شده» یا «اخلاق سیاسی شده» و طرح نهاد «اخلاق در انتخابات» ضروری می‌نماید.

اگرچه قدرت و اخلاق از دو ماهیت متفاوت برخوردارند، معهداً اخلاق این کارکرد را می‌تواند داشته باشد تا مانع آسیب‌ها و کارکردهای منفی قدرت بر حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و... شود. به تعبیری دیگر، از قدرت، ساحتی نسبتاً اخلاقی به نمایش گذارد و تا حدودی قدرت را در مسیر اخلاق و ارزش‌ها قرار دهد و از قدرت که فسادآور است، فسادزدایی کند و این امری است که از ساختارهای انتخاباتی مبتنی بر قوانین ناظر به اخلاق می‌تواند بروز و ظهور کند. هرچند که اخلاقی کردن قدرت در ساحت قوانین انتخابات هم چیزی نیست که به سادگی امکانپذیر باشد.

قواعد اخلاقی^۱ و قواعد سیاسی^۲ اتفاقاً در یک طریق با هم وجه اشتراک دارند: حوزه اخلاق و سیاست هر دو دارای اصول و قواعد غیرقطعی و فاقد ضمانت اجرایی‌اند. حال در این خصوص سؤالات بی‌شماری مطرح است: چگونه می‌توان اخلاق

۱. مثلاً دروغگویی و دادن وعده‌های غیرقابل تحقق توسط نامزدها یک قاعده ضد اخلاقی است که عمدتاً در فعالیت‌های انتخاباتی رخ می‌دهد و الزام اخلاقی نامزدها به صداقت، فاقد راهکارهای حقوقی و ضمانت اجرایی است.

۲. عمدتاً وجه تمایز بین سیاستگذاری با قانونگذاری همان غیرقطعی و فاقد ضمانت اجرایی بودن قواعد سیاستگذاری است. سیاستگذاری برخلاف قانونگذاری، خط‌مشی‌های کلی را مقرر کرده و در قالب برنامه‌ریزی مطرح است و هدف آن هدفگذاری و تعیین دورنما و اولویت‌ها و آینده قابل دسترس است. مثلاً قانون برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان در قالب سیاستگذاری تحلیل کرد، زیرا بسیاری از قواعد آن مشخص‌کننده دورنمای آینده کشور است و شاید هم بخش وسیعی از مقررات این قانون که تاکنون در پنج مرتبه تصویب شده تحقق نیافته است. برخی از اصول قانون اساسی (مخصوصاً اصل دوم و سوم قانون اساسی) تحت عنوان سیاستگذاری مطرح می‌شوند تا قانونگذاری. حتی برخی از متخصصین، قوانین اساسی را نه صرفاً یک سند حقوقی بلکه به‌عنوان یک سند سیاسی (سیاستگذاری) - حقوقی قلمداد می‌کنند.

و سیاست را با هم مرتبط ساخت؛ چگونه می‌توان سیاست اخلاقی شده یا اخلاق سیاسی شده را در ساحت حقوق وارد و تحت قواعد قطعی و دارای ضمانت اجرایی مقرر کرد؟ اگر هدف از تعریف اخلاق انتخاباتی، رعایت یک سری قواعد اخلاقی (و طبعاً فاقد ضمانت اجرایی) توسط رقبای سیاسی است، این قواعد به دلیل آنکه مربوط به حوزه باطنی شخصیت افراد بوده و رعایت آنها بستگی به میزان اعتقاد قلبی نامزدها دارد و ضمانت اجرایی برایشان متصور نیست، طبعاً مورد تخلف قرار گرفته و چندان امیدی برای رعایت آنها وجود نخواهد داشت. آیا برای ضمانت اجرایی بخشیدن به این قواعد اخلاقی، می‌توان با وارد کردن اخلاق در حقوق و مرتبط ساختن آن دو با همدیگر، اقدام به مقررانگذاری در باب اخلاق انتخاباتی کرد؟ آیا تاکنون اقدامی در این خصوص - در حقوق ایران یا حقوق تطبیقی - صورت گرفته است؟

در این گزارش در بخش اول از باب کلیات، به بازتعریف روابط بین اخلاق، حقوق و سیاست می‌پردازیم. در این بخش ضمن تعریف اجمالی اخلاق و حقوق، تفاوت‌های بین حقوق، اخلاق و سیاست، موضوع «حقوق اخلاقی و سیاست اخلاقی» را مطرح می‌کنیم، تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان اخلاق انتخاباتی را تحت قاعده حقوقی یا حداقل در قالب سیاستگذاری انتخاباتی مقرر کرد؟ در بخش دوم مقررانگذاری در باب اخلاق انتخاباتی با بررسی حقوق بین‌الملل و حقوق تطبیقی و همچنین قوانین و مقررات عمومی کشور و منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود. در بخش آخر تحت عنوان خالهای قانونی، مصادیق اخلاق انتخاباتی تعریف می‌شوند. در این بخش اصول و قواعد اخلاقی که نامزدها، مجریان، ناظران و رأی‌دهندگان و احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی باید



نصب‌العین خود قرار دهند، از جوانب مختلف و از جمله از دیدگاه منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران ذکر شده‌اند که به‌عنوان خلأهای قانونی باید مورد توجه قانونگذار باشند.

۱. اخلاق، حقوق و سیاست

اخلاق، حقوق و سیاست، حوزه‌های مختلفی را به‌خود اختصاص داده‌اند. شناخت روابط بین آنها قطعاً در تبیین اخلاق انتخاباتی و امکان ضمانت اجرایی بخشیدن به آن مهم و مؤثر خواهد بود.

بند «۱» - تعریف اخلاق، حقوق و سیاست در معنای متعارف

«اخلاق مجموعه قواعدی است که رعایت آنها برای نیکوکاری و رسیدن به کمال لازم است. قواعد اخلاق میزان تشخیص نیکی و بدی است و بی‌آنکه نیاز به دخالت دولت باشد، انسان در وجدان خویش آنها را محترم و اجباری می‌داند»^۱ از طرف دیگر «بدیهی‌ترین مفهومی که همه از حقوق و قانون دارند این است که قواعد آن بر اشخاص تحمیل می‌شود و ایجاد الزام می‌کند»^۲ همچنین فرهنگ لیتره^۳ سیاست را

۱. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی‌ودوم،

۱۳۸۱، ص ۵۹.

۲. همان، ص ۱۸.

«علم حکومت بر کشورها» و فرهنگ روبرو^۱ آن را «فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی» تعریف می‌کنند.^۲ به گمان برخی مردم، سیاست، اساساً یک مبارزه و یک پیکار است و قدرت به افراد و گروه‌هایی که آن را به دست دارند امکان می‌دهد تا سلطه خود را بر جامعه استوار سازند و از این امر سود جویند. به نظر برخی دیگر، سیاست کوششی است به منظور استقرار نظم و عدالت و قدرت که نفع عمومی و مصلحت جمعی را در برابر فشار تقاضاهای خصوصی تأمین می‌کند.^۳

بند «۲» - تفاوت‌های اخلاق، حقوق و سیاست^۴ متعارف

اساسی‌ترین فرق میان اخلاق و حقوق، تفاوت آنها در هدف است ... هدف قضایای حقوقی تأمین مصالح و منافع دنیوی افراد یک جامعه است، اما هدف اخلاق تزئین آدمیان به فضائل و پاکیزه ساختن آنان از رذایل است.^۵ از دیگر تفاوت‌های اخلاق و حقوق می‌توان به تفاوت در نیت، وجود ضمانت اجرایی بیرونی در قواعد حقوقی،

1. Robert

۲. موریس دورژ، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، نشر جامعه و اقتصاد، چاپ چهارم، ۱۳۵۴، ص ۳.

۳. همان، ص ۷.

۴. برای بررسی تفاوت‌های بین اخلاق، حقوق و سیاست به منابع زیر مراجعه کنید: (سیداکبر حسینی، اخلاق و حقوق، مجله رواق اندیشه، شماره ۱۴) و (سیدحسن اسلامی، نسبت اخلاق و سیاست: بررسی چهار نظریه، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۶).

۵. اگرچه ممکن است مکاتب اخلاقی دیگری باشند که اهداف دیگری برای اخلاق در نظر بگیرند، مثل مکتب سودگروی اخلاقی (Moral Utilitarianism) که تأمین حداکثر سود برای بیشترین افراد را هدف اخلاق تلقی می‌کند (رک: ویلیام کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، هادی صادقی، طه، قم، ۱۳۷۶، ص ۴۸) یا مکتب لذت‌گرا که لذت را اصل و هدف اخلاق می‌داند.



توجه قواعد حقوقی به روابط اجتماعی و اختصاص قواعد اخلاقی به روابط فردی، کلی و ثابت و جاودانه بودن برخی از اصول اصلی اخلاقی و محدود شدن حقوق توسط قواعد اخلاقی اشاره کرد اما در باب نسبت اخلاق و سیاست تاکنون چهار نظریه عمده ارائه شده است: نظریه جدایی اخلاق از سیاست، نظریه تبعیت اخلاق از سیاست، نظریه اخلاق دوسطحی و نظریه یگانگی اخلاق و سیاست. سه دیدگاه نخست، با همه تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در یک اصل مشترکند؛ یعنی اینکه سیاست غیراخلاقی است و باید هم باشد. یک اشکال نیز بر همه آنها وارد است و آن اینکه چنین دوگانگی‌ای، موجب می‌شود که شهروندان نیز از حاکمان خود تقلید کنند و در امور سیاسی، متقابلاً در برابر حاکمیت رفتاری غیراخلاقی در پیش گیرند. تکلیف حاکمیتی نیز که از سوی شهروندان خود فریفته می‌شود و مورد اعتماد آنان نیست روشن است. تنها نظریه‌ای که می‌تواند مانع زیاده‌خواهی حاکمیت‌ها شود، تأکید بر اصل ضرورت سیاست اخلاقی است. بنابراین بین سیاست و اخلاق، اصولاً تمایزی وجود ندارد و مخصوصاً در نظام‌های سیاسی - مذهبی یا اصطلاحاً در مردم‌سالاری دینی، سیاست اخلاقی شده در رأس همه امور قرار می‌گیرد. زیرا آموزه‌ها و تعالیم دینی که از طریق سیستم تقنینی نظام‌های سیاسی - مذهبی وارد ساحت حقوق می‌شوند، گونه‌ای از قواعد اخلاقی‌اند و بازیگران سیاسی در این‌گونه نظام‌های سیاسی باید به قواعد اخلاقی که از طریق قوانین بر مبارزات سیاسی برای کسب قدرت تحمیل می‌شوند، سر بسپارند.

بند «۳» - نظریه «حقوق اخلاقی و سیاست اخلاقی»

با بررسی تعریف اجمالی اخلاق، حقوق و سیاست و شناخت تفاوت‌های آنها: آیا می‌توان قواعد و اصول اخلاقی را در ساحت حقوق وارد کرد؟ آیا سیاست می‌تواند اخلاقی باشد؟ و در نتیجه می‌توان از طریق وضع قانونی در مورد رعایت اخلاق در انتخابات، به قواعد اخلاقی ضمانت اجرایی بخشید؟ پاسخ به سؤال اول، تکلیف سؤال دوم را مشخص می‌کند و با پاسخ به سؤال دوم، جواب حاصله پاسخ سؤال سوم خواهد بود. پاسخ از دو جنبه قابل بررسی است:

اولاً استاد «روبرت آلكسی» فیلسوف معاصر آلمانی در کار تحقیقی برجسته‌ای که در مورد روابط بین اخلاق و قانون انجام داده و پس از اینکه با بحث‌های متعدد و پیچیده فلسفی، توانسته وجود روابطی بین قانون و اخلاق را تعریف و یک مفهوم غیراثباتی از قانون ارائه دهد،^۱ به سؤال اول جواب مناسبی داده است: «در پاسخ به این سؤال باید بین دو تفسیر متفاوت از نظریه وجود رابطه بین قانون (حقوق) و اخلاق، تفاوت و تمایز قائل شد: یک تفسیر ضعیف و یک تفسیر قوی. در تفسیر ضعیف، این نظریه مدعی است که این رابطه فقط بین قانون و «گونه‌ای از اخلاق»^۲ برقرار است. تفسیر قوی این ادعا را دارد که این رابطه فقط بین قانون و «اخلاق درست یا صحیح»^۳ قابل تحقق است».^۴ در اینجا هر دو نظریه برای ما قابل قبول است، اما آنچه از این دو تفسیر برمی‌آید آن است که اساساً حوزه اخلاق و حقوق (قانون)

۱. ما در اینجا برای رعایت اختصار در کلام از ذکر این بحث‌های فلسفی خودداری کرده و فقط نتیجه آن را ذکر می‌کنیم.

2. Some Morality

3. The Right or Correct Morality

4. Robert Alexy, *The Argument From Injustice, A Reply to Legal Positivism*, Oxford University Press: Feb 2003, pp. 10-82.



از هم متفاوتند. اما این دو حوزه در برخی موضوعات بهم نزدیک شده و این قرابت قلمرو بین این دو حوزه باعث می‌شود که قواعد اخلاقی وارد عرصه حقوق شده و دارای ضمانت اجرایی شوند، اما نه همه یا کلیه قواعد اخلاقی، بلکه صرفاً «گونه‌ای از اخلاق» یا «برخی از اخلاقیات» یا در تفسیری دیگر، فقط «اخلاق صحیح و درست» می‌تواند وارد عرصه حقوقی شود.

ثانیاً اگرچه در نظام‌های سیاسی دمکراتیک لیبرال غربی - حتی اگر اخلاق را در سیاست دخیل بدانیم - اخلاق برای خود معانی و مصادیق متفاوتی دارد و در این‌گونه نظام‌ها - حداقل از منظر سیاست عملی و نه سیاست نظری - نمی‌توان از سیاست اخلاقی سخن گفت. با این حال در نظام‌های سیاسی - مذهبی، با توجه به ابتدای این نوع نظام‌های سیاسی بر پایه گونه‌ای از اخلاق - یعنی اخلاق مذهبی (مثلاً اخلاق اسلامی) - به نظر می‌رسد که نظام حقوقی حاکم بر رقابت‌های سیاسی، فعالیت‌های غیراخلاقی در عرصه سیاست را ممنوع اعلام کند. اگر اخلاق را از سیاست جدا بدانیم، در آن صورت هرگونه تقلب انتخاباتی، زیر پا نهادن تعهدات و وعده‌های انتخاباتی مجاز خواهند بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز فصل تازه‌ای در سیاست و حکومت مبتنی بر آموزه‌های دینی، سیاست و معنویت شامل اخلاق و دیانت پیوند یافتند و تحقق این امر در سایه اسلامی کردن قوانین، انتخاب نخبگان سیاسی و حاکمیت ارزش‌های دینی بر سیاست‌ها صورت گرفت و اسلامیت نهادهای سیاسی و از جمله مجلس شورای اسلامی و نهاد دولت مورد توجه قرار گرفت. از این نظر، انتخابات هم برای

رأی‌دهندگان و نامزدها و هم برای برگزارکنندگان، صحنه آزمون بزرگی است. در این فرآیند، رعایت شاخص‌های اخلاق انتخاباتی مورد اهمیت خاص قرار می‌گیرد. در اصل پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: حاکمیت مطلق از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت خویش حاکم کرده است. ملت این حق خدادادی را از راه‌هایی که در این قانون آمده است، اعمال می‌کند. اصل پنجم قانون اساسی ولایت امر و امامت امت را در دوره غیبت برعهده ولی فقیه قرار داده است؛ بنابراین حاکمیت و سیاست در جمهوری اسلامی ایران جنبه ولایی دارد که فراتر و عمیق‌تر از حکومت مصطلح در علم سیاست است.

حاکمیت ولایی، ناظر بر مشروعیت الهی حکومت است و انتخابات، ناظر بر مقبولیت مردمی و کارآمدی. در اصل ششم قانون اساسی، اداره کشور با اتکای به انتخابات دانسته شده است که انتخاب رئیس‌جمهوری، اعضای خبرگان، نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای شهر و روستا چگونگی اداره کشور را نشان می‌دهند و حتی تعیین ولی فقیه هم با رأی نمایندگان برگزیده ملت در مجلس خبرگان صورت می‌گیرد.

با چنین رویکردی به قدرت در نظام جمهوری اسلامی که براساس اصل دوم قانون اساسی تحقق اصول دین و سعادت و پرورش همه‌جانبه انسان را هدف حکومت ذکر می‌کند، اخلاقی کردن و فراتر از آن، دینی کردن حکومت هدف نظام جمهوری اسلامی تلقی می‌شود. طبیعی است که اخلاقی کردن و اخلاقی بودن انتخابات به‌عنوان شیوه قانونی اداره کشور نیز باید محقق شود و راه رسیدن به الگوی مطلوب در انتخابات، آفت‌شناسی و آسیب‌شناسی اخلاق انتخاباتی و ارزیابی سازوکارهای موجود از جمله قوانین انتخاباتی برای رسیدن به این هدف است.



فراتر از همه اصول قانون اساسی، اصل چهارم - که بر اطلاق یا عموم کلیه اصول قانون اساسی و دیگر قوانین و مقررات کشور حاکم است - ابتدای کلیه قوانین و مقررات کشور را براساس احکام و موازین اسلامی مقرر می‌کند. تعالیم و آموزه‌های اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، همان «گونه‌ای از اخلاق» یا «نوعی از اخلاقیات» و یا «اخلاق صحیح و درست» است که در بحث تفاوت بین اخلاق و حقوق ذکر کردیم. بنابراین اگر طبق ادعای «روبرت آلکسی» ورود برخی از اخلاقیات در حقوق و قانون لازم و ضروری است، می‌توان گفت که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قواعد اخلاق اسلامی می‌توانند براساس اصل چهارم قانون اساسی وارد سیستم حقوقی کشور شده و با کسب ضمانت اجرایی «حقوقی اخلاقی شده» را عرضه کنند. این حقوق اخلاقی شده می‌تواند در تصویب قوانین اخلاق انتخاباتی توسط مجلس شورای اسلامی نمود عینی یافته و در فرآیند انتخابات نمود عملی به خود گیرند. از طرف دیگر با توجه به اینکه قواعد حقوقی (اختصاصاً حقوق اساسی) در صدد چارچوب‌بندی و کنترل و تحت قاعده درآوردن پدیده‌های سیاسی (از جمله انتخابات) برآمده‌اند، لذا حقوق اخلاقی شده در مرحله اجرایی و اعمال، نتیجه‌ای جز «سیاست اخلاقی» را به دنبال نخواهد داشت.

با این تعابیر، نظریه حقوق اخلاقی و سیاست اخلاقی ثابت می‌شود، البته در مفهوم این نظریه نوعی سلسله‌مراتب مستتر است. به عبارت دیگر حقوق اخلاقی بر سیاست اخلاقی تقدم دارد. تا زمانی که حقوق، اخلاقی نباشد، سیاست نیز اخلاقی نخواهد بود. شاید ادعا بر این باشد که سیاست در بسیاری از موارد بر حقوق نفوذ

دارد، اما در هر حال اخلاقی کردن سیاست، جز با اخلاقی کردن حقوق ممکن نیست. هدف اصلی ما در این تحقیق بررسی امکان و چگونگی اخلاقی کردن سیاست است، زیرا انتخابات مربوط به علم سیاست است، اما دلیل اینکه چرا در اینجا بحث اخلاقی بودن حقوق را نیز پیش کشیده‌ایم، آن است که اخلاقی بودن سیاست (انتخابات) جز با اخلاقی شدن حقوق ممکن نیست. در مفهوم «اخلاق انتخاباتی» عناصری از سه شاخه علوم اجتماعی (علم اخلاق، علم حقوق و علم سیاست) پنهان است. اخلاق انتخاباتی یک تعریف فلسفی دارد: شناخت یا ایجاد رابطه بین اخلاق، حقوق و سیاست.^۱ با این توصیفات، از بحث‌های فلسفی در مورد اخلاق انتخاباتی خارج می‌شویم.

۲. جرم‌انکاری بد اخلاقی انتخاباتی

متأسفانه تاکنون در محافل مختلف حقوقی و سیاسی داخلی و خارجی گفتمان حاکم بر روابط بین اخلاق و سیاست و حقوق برخلاف نتیجه‌ای است که ما از این تحقیق گرفتیم. در بُعد تطبیقی یا بین‌المللی اخلاق مقوله‌ای است که صرفاً ناظر به منش‌ها و ملکاتی است که انسان‌ها باید با تلاش و کوشش فردی، خود را بدان بیارینند و سجایایی است که بر اثر تلاش و ممارست در عرصه فردی حاصل می‌شود و کمتر جنبه اجتماعی و حزبی و گروهی دارد و ناظر به رقابت گروه‌ها و دسته‌های سیاسی

۱. نکته دیگر اینکه با اخلاقی شدن حقوق، بحث‌های مختلفی که قبلاً در باب عادلانه بودن قوانین و حقوق عادلانه صورت گرفته‌اند، خاتمه می‌یابند. زیرا عدالت خود یک قاعده محض اخلاقی است و زمانی که قواعد حقوق، اخلاقی باشند، عادلانه نیز خواهند بود.



نیست که در چارچوب قوانین، اعم از قوانین انتخابات، بتوان به راحتی آن را صورتبندی کرد و موضوعی است که در حقیقت راه به حیطه‌های فرا فردی ندارد و کمتر ساحتی جمعی به خود می‌گیرد. در صورتی که قدرت به تجربه ثابت کرده است که ساحتی کاملاً فرااخلاقی دارد و به همان میزان که قدرت بسط بیشتری می‌یابد به همان نسبت از اخلاق هم دور می‌شود و گویی که قدرت هیچ نوع اخلاقی را بر نمی‌تابد و هر آئینه قدرت مولود مبارزات سیاسی گروه‌ها و احزاب سیاسی در عرصه رقابت‌های انتخاباتی است که کمتر ناظر به اخلاق معمول و مورد انتظار است. این اقدام باعث شده است در عرصه حقوق تطبیقی و بین‌المللی و حتی در حقوق داخلی در عمل قانونگذاران حتی کمترین اهتمام را دال بر اخلاقی کردن عرصه رقابت‌های انتخاباتی در مصوبات قانونی و از همه مهمتر قانون انتخابات به عمل نیاورند تا گروه‌ها و احزاب در رقابت‌های انتخاباتی ملزم به رعایت آن باشند.

بند «۱» - حقوق تطبیقی و بین‌المللی

فلسفه حاکم بر روابط بین‌الملل و حقوق تطبیقی در مورد روابط بین اخلاق و سیاست و حقوق، جدایی اخلاق از حقوق و سیاست است. در اکثر کشورها اخلاق نمی‌تواند در حیطه حقوق وارد شود. این مطلب را در «نظریه محض حقوقی کلسن» به عینه ملاحظه می‌کنیم. حتی در آن دسته از کشورهای اسلامی که انتخابات وجود دارد، نظیر پاکستان، جدایی سیاست از حوزه اخلاق کاملاً روشن است. بنابراین در این کشورها و منطقاً در سطح بین‌المللی یا تطبیقی سخنی از رعایت سلامت اخلاقی در

انتخابات وجود ندارد. در انتخابات ایالات متحده - که به‌زعم برخی نمونه عالی دمکراسی لیبرال است اخلاق (با همه مصادیق آن) کوچک‌ترین جایگاهی ندارد. مناصب سیاسی بازیچه دست لابی‌های متمول و ثروتمندی است که به ظاهر برای توجیه تسلط خود بر فرآیندهای قدرت سیاسی، انتخابات و رقابت‌های دمکراتیک را به جریان انداخته‌اند. مشخص است که در دستیابی به قدرت در این‌گونه نظام‌های سیاسی، هدف وسیله را توجیه می‌کند.

البته در عرصه بین‌المللی گاه آوایی مبنی بر رعایت اخلاق انتخاباتی به گوش می‌خورد، اما باید توجه داشت که اخلاق در عرصه بین‌المللی یا بهتر بگوییم، اخلاق انتخاباتی در عرصه بین‌المللی معنا و مفهوم دیگری دارد. منظور از اخلاق در این عرصه رعایت یک سری شرایطی است که بیشتر معطوف به جنبه «آزاد و منصفانه» بودن انتخابات^۱ می‌شود. «مثلاً در مارس سال ۱۹۹۴ اعلامیه‌ای با عنوان «اعلامیه معیاری برای انتخابات آزاد و منصفانه»^۲ توسط اتحادیه بین‌المجالس پذیرفته شده است، اما در همان زمان، این اتحادیه در گامی فراتر از این اعلامیه درصدد برآمده است تا حوزه وسیعی از موضوعات مرتبط با انتخابات را تحت قاعده درآورد. قصد این شورا این بوده است که از موضوعات قانونگذاری و اجرایی مربوط به انتخابات خارج شده و بر هدایت^۳ انتخابات و رفتار در انتخابات^۴ متمرکز شود. بنابراین، بند «۲» ماده (۴) «اعلامیه معیاری برای انتخابات آزاد و منصفانه» کشورهای عضو را به

-
1. Free and Fair Elections
 2. Declaration on Criteria for Free and Fair Elections
 3. Conduct of Elections
 4. Behaviour in Elections



تدوین «کد رفتار انتخابات»^۱ موظف کرده است.^۲ لذا آنچه در خارج کشور به عنوان اخلاق یا رفتار انتخاباتی مطرح است، به هیچ وجه اخلاق در معنای مصطلح آن نیست، بلکه اشاره به نوعی رفتار دارد که متضمن آزاد و منصفانه بودن انتخابات است. مثلاً در کتاب «کد رفتار انتخابات» اهداف مورد نظر یک کد رفتار انتخاباتی به شرح زیر آمده است: «به طور خلاصه، کد رفتار انتخاباتی ابزاری است که در آزاد و منصفانه بودن انتخابات، گزینش سودمند، انجام یک فرآیند مورد اعتماد و موثق، تأکید بر شفافیت و پاسخگویی در فرآیند انتخابات، کاهش تأثیر روابط تجاری در انتخابات و امتزاج و تحکیم فرهنگ سیاسی دمکراتیک سهیم است».^۳ کدهای رفتار انتخاباتی در بسیاری از کشورها نظیر هند، پاکستان، لیبیا، بنگلادش، بوسنی و هرزگوین، جمهوری تانزانیا، پاناما، کامبوج، غنا و... تصویب و به مرحله اجرا گذاشته شده است.

با توجه به اینکه در نظام‌های سیاسی - مذهبی، اصول و قواعد مذهبی می‌توانند در چارچوب اصول اخلاقی تحلیل شوند و به دلیل ابتنای قوانین و مقررات بر پایه قواعد مذهبی، ورود اخلاق در حقوق مجاز شمرده می‌شود، لذا قواعد اخلاقی در انتخابات را می‌توان در چارچوب کد رفتار انتخاباتی تحلیل کرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، رعایت قواعد اخلاقی در انتخابات که فوقاً به آنها اشاره شد، می‌تواند از طریق تصویب کدهای رفتاری قطعی که ضمانت اجرایی دارند، تضمین شود، البته

1. Code of Conduct for Elections

2. Guy S. Goodwin- Gill, CODES OF CONDUCT FOR ELECTIONS, A Study Prepared for the Inter-Parliamentary Union, Geneva, 1998, p. ix.

3. *Ibid*, p. 4.

کد رفتار انتخاباتی که حاوی «اخلاق انتخاباتی» باشد، مفهوماً با کد رفتار انتخاباتی در حقوق تطبیقی متفاوت خواهد بود.

بند «۲» - حقوق داخلی

قوانین و مقررات عمومی کشور - چه قوانینی که مستقیماً به انتخابات مربوط می‌شوند و چه قوانینی که به تناسب موضوع به امر رقابت‌های انتخاباتی پرداخته‌اند و حتی قانون مجازات اسلامی - اقبال بسیار کمتری را در مورد جرم‌انگاری اخلاقیات انتخاباتی از خود نشان داده‌اند. با این حال برخی از مصادیق بی‌اخلاقی انتخاباتی از قبیل توهین و افترا از جمله جرائم مذکور در قانون مجازات اسلامی بوده که به تناسب آن در قانون مطبوعات و قانون انتخابات نیز جرم شناخته شده است.

اول - قانون مجازات اسلامی: سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران اگرچه برگرفته از فقه امامیه است ولی تمامی اخلاقیات را جرم ندانسته و شایسته هم این است که ما هر بی‌اخلاقی را جرم ندانیم که در آن صورت انواع جرائم کشور ما بیش از این نیز خواهد بود. در حقوق کیفری اصولی به‌نام «قبح عقاب بلابیان»، «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» و «اصل برائت» وجود دارد. براساس این اصول، فعل یا ترک فعلی قابل مجازات است که در قانون برای آن جزائی مقرر شده باشد (ماده ۲) قانون مجازات اسلامی) این اصول (با قدمتی بیش از ۱۴ قرن در نظام حقوق اسلام) از اصول تضمین‌کننده آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و... می‌باشد که سابقه خیلی کمی در حقوق غرب دارند.



با این حال برخی از اصول و قواعد اخلاقی که در انتخابات نیز مصداق پیدا می‌کنند، در قانون مجازات اسلامی به‌عنوان جرم شناخته شده و برای آن مجازات تعیین شده است، اولاً قسمت اخیر ماده (۶۳۸) قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است، در صورتی که فردی «مرتکب عملی شود که آن عمل دارای کیفر نیست ولی عفت عمومی را جریحه‌دار سازد، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». از این عبارت می‌توان چنین استنباط کرد که در ایام انتخابات هر اقدام غیر اخلاقی، حتی اگر عنوان جرم نداشته باشد، قابل مجازات است. در این صورت رعایت اخلاقیات انتخاباتی با توسل به این مقرر قانونی دارای الزام حقوقی خواهد بود.

علاوه بر این، ماده (۶۹۷) قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «افترا و توهین و هتک حرمت» بسیاری از بداخلاق‌های انتخاباتی را جرم‌انگاری کرده است. مطابق این ماده «هرکس به‌وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به‌وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر کند که مطابق قانون، آن امر، جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت کند جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد». همچنین در ادامه ماده (۶۹۸) مقرر می‌دارد: «هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به‌وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا، اکاذیبی را اظهار دارد یا با همان

مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به‌عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور و به‌نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه‌بر اعاده حیثیت در صورت امکان، به حبس از دو ماه تا دو سال یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود». در ضمن ماده (۷۰۰) این قانون نیز مقرر می‌دارد که هرکس با نظم یا نثر یا به‌صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو یا هجویه را منتشر کند به حبس از یک ماه تا ۶ ماه محکوم می‌شود، البته چنانچه توهین و افترا و هتک حرمت مصداق کذب نداشته باشد مرتکب، مطابق ماده (۶۰۸) و اگر توهین و افترا متوجه مقامات رسمی کشور باشد، مطابق ماده (۶۰۹) مجازات خواهد شد و اگر مصداق کذب داشته باشد به حد مربوط محکوم می‌شود. در صورتی‌که اقدامات غیراخلاقی در انتخابات موجب تشویش اذهان عمومی و تخدیش امنیت داخلی و خارجی کشور شود، در این صورت مرتکب مطابق مواد (۴۹۸) الی (۵۱۵) قانون مجازات اسلامی (جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور) مجازات می‌شود. این مواد اگرچه در قانون به‌طور مستقیم موضوع انتخابات را خطاب قرار نداده‌اند، اما چنانچه در ایام انتخابات اقدامات غیراخلاقی مذکور تحقق یابند، عنوان جرم داشته و قابل مجازاتند. در قانون مجازات اسلامی، اخلاق انتخاباتی فقط در این چارچوب پیش‌بینی شده است.

دوم - قانون انتخابات ریاست‌جمهوری: شاید بتوان انتظار از اخلاق انتخاباتی را از قانون انتخابات آغاز کرد. وضع قوانین اخلاقی اولین شرط تحقق اخلاق انتخاباتی است. قوانین انتخابات در جمهوری اسلامی ایران، تهی از اخلاق در عرصه‌های مختلف آن است و راه‌های بداخلاقی اعم از تخریب، توهین، افترا، بهتان و... نه تنها مسدود نشده، بلکه



بعضاً به‌عنوان یک ارزش هم برای بعضی از گروه‌هایی که دست‌اندرکار قدرتند مورد استفاده قرار می‌گیرد و البته کارکردهای فراوانی هم برای آنان ایفا می‌کند تا بتوانند به‌صورت یک‌سویه به رقیبان بتازند و بر افکار عمومی هم کم‌وبیش تأثیر خود را بگذارند. بنابراین اخلاق انتخاباتی مقوله‌ای نیست که صرفاً در ایام انتخابات از تریبون‌های مختلف بدان پرداخته شود و از تشنگان قدرت بخواهند تا آن را در رفتارهای انتخاباتی خود به‌کار گیرند زیرا توصیه‌های اخلاقی بدون پشتوانه‌های عملی و قاعده‌مند نکردن آن در ساحت قانون و عدم جنبه‌های الزام‌آور و اجبارهای قانونی و مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون نمی‌تواند ره به‌جایی ببرد. اخلاق انتخاباتی زمانی می‌تواند اثربخش باشد که لباس قانون به تن آن پوشانده شود و برای همه گروه‌ها و احزاب به‌صورت یکسان به اجرا درآید و قانون و قواعدی که اخلاق در آن متجلی شده است خط قرمز همه احزاب و جریان‌های سیاسی رقابت‌کننده در انتخابات و دیگر عرصه‌های مرتبط باشد و هر نوع عبور از خطوط قرمز قانونی متضمن مجازاتی سخت و بدون ملاحظه برای گروه‌های حاکم و محکوم باشد و هیچ‌کس از مصونیت ویژه و خاص به هر دلیلی برخوردار نباشد تا انتخابات در فضایی آزاد و سالم و قانونی و عادلانه و برابر در کل فرآیند آن انجام گیرد.

ماده (۳۳) قانون انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۷ بند عناوین مجرمانه را

برشمرده است:

۱. خرید و فروش رأی،
۲. تقلب و تزویر در اوراق و تعرفه یا برگ رأی یا صورتجلسات،
۳. تهدید یا تطمیع در امر انتخابات،

۴. رأی دادن با شناسنامه جعلی،
 ۵. رأی دادن با شناسنامه دیگری،
 ۶. رأی دادن بیش از یک‌بار،
 ۷. اخلال در امر انتخابات،
 ۸. کم و زیاد کردن آرا یا تعرفه‌ها،
 ۹. تقلب در رأی‌گیری و شمارش آرا،
 ۱۰. رأی گرفتن با شناسنامه کسی که حضور ندارد،
 ۱۱. توصیه به انتخاب کاندیدای معین از طرف اعضای شعبه اخذ رأی یا هر فرد دیگر در محل صندوق رأی، به رأی‌دهنده،
 ۱۲. تغییر و تبدیل یا جعل و یار بودن یا معدوم کردن اوراق و اسناد انتخاباتی از قبیل تعرفه و برگ رأی و صورتجلسات و تلکس و تلفن‌گرام‌ها و تلگراف‌ها،
 ۱۳. باز کردن یا شکستن قفل محل نگهداری و لاک و مهر صندوق‌های رأی بدون مجوز قانونی،
 ۱۴. جابجایی، دخل و تصرف یا معدوم ساختن اسناد انتخاباتی بدون مجوز قانونی،
 ۱۵. دخالت در امر انتخابات با سند مجعول،
 ۱۶. ایجاد رعب و وحشت برای رأی‌دهندگان یا اعضای شعب ثبت‌نام و اخذ رأی با اسلحه یا بدون اسلحه در امر انتخابات،
 ۱۷. دخالت در امر انتخابات با سمت مجعول یا به هر نحو غیرقانونی،
- ماده (۶۴) نیز مقرر می‌دارد: چنانچه به تشخیص کمیسیون بررسی تبلیغات، برنامه‌های تبلیغاتی ضبط شده نامزدها در صداوسیما دربر گیرنده مطالب توهین‌آمیز



یا هتک حرمت سایر نامزدها یا دیگر افراد یا مغایر با قوانین باشد، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظف به حذف آن مطالب است و در صورتی که ضمن پخش برنامه زنده‌ای موارد مذکور از سوی هریک از نامزدهای انتخابات یا نماینده آنها واقع شود، سازمان موظف است با تشخیص کمیسیون بررسی تبلیغات به میزان مناسب و به صورت ضبط شده فرصت احقاق حق بدهد.

علاوه بر این عناوین مجرمانه که ممکن است برخی از آنها عنوان بداخلاقی انتخاباتی را نیز به همراه داشته باشند، ماده (۶۸) این قانون مقرر می‌دارد: انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها له یا علیه نامزدهای ریاست جمهوری از میز خطابه نماز جمعه یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی و دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات، شرکت‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و نهادها و مؤسساتی که از بودجه عمومی (به هر مقدار) استفاده می‌کنند و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مزبور ممنوع بوده و مرتکب، مجرم شناخته می‌شود.

شاید اخلاقی‌ترین قاعده که در قانون انتخابات ریاست جمهوری جرم‌انگاری شده است، محتوای مواد (۷۰) و (۷۱) این قانون باشد. این دو ماده مقرر می‌کنند: هیچ‌کس حق ندارد آگهی یا پوستره‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی را که در محل‌های مجاز الصاق شده در مدت و زمان قانونی تبلیغات پاره یا محو کند و عمل مرتکب جرم محسوب می‌شود (ماده (۷۰)). داوطلبان ریاست جمهوری و طرفداران آنان در تبلیغات انتخاباتی به هیچ‌وجه مجاز به هتک حرمت و حیثیت نامزدهای انتخاباتی نیستند و

متخلفین طبق مقررات مجازات خواهند شد (ماده (۷۱)). محتوای این دو ماده نسبت به سایر جرائم مذکور در قانون به جرم‌انگاری اخلاقی نزدیک‌تر است، ضمن اینکه عناوین مذکور قبلاً در قانون مجازات اسلامی نیز جرم شناخته شده و برای آنها مجازات مقرر شده است.

همچنین در مورد رعایت اخلاق انتخاباتی توسط رسانه‌ها و مطبوعات نیز ماده (۷۴) این قانون مقرر می‌دارد: «مطبوعات و نشریات حق ندارند از سه روز قبل از اخذ رأی، آگهی یا مطالبی علیه نامزدهای انتخاباتی درج کنند یا مطلبی بنویسند که دال بر انصراف گروه یا اشخاصی از نامزدهای معین باشد و در هر صورت نامزدها حق دارند پاسخ خود را ظرف ۱۸ ساعت پس از انتشار به وسیله وزارت کشور به روزنامه مزبور بدهند و روزنامه مکلف به چاپ فوری آن قبل از زمان ممنوعیت طبق قانون مطبوعات است. در صورتی که آن نشریه قبل از ساعات ممنوعیت تبلیغاتی منتشر نشود مسئول آن باید با هزینه خود پاسخ نامزد را به روزنامه یا مجله‌ای که در غیر مدت ممنوعیت چاپ می‌شود ارسال دارد و آن نشریه مکلف به درج آن در اولین چاپ نشریه خواهد بود. انتشار این‌گونه مطالب در غیر مطبوعات نیز در مدت سه روز قبل از روز اخذ رأی ممنوع است و نامزد معترض حق دارد در زمان قبل از ممنوعیت تبلیغات، نظر خود را منتشر کند».

با توجه به موارد فوق، بدیهی است بسیاری از بداخلاق‌های انتخاباتی که در ایام انتخابات شاهد آنیم در قانون انتخابات جرم‌انگاری نشده است. حتی این قانون هیچ‌گونه مقررهای در خصوص رعایت اخلاق انتخاباتی توسط مجریان، ناظران و حتی رأی‌دهندگان ندارد.



سوم - قانون مطبوعات: از آنجا که برخی از فعالیت‌های انتخاباتی از طریق مطبوعات صورت می‌گیرند، لذا رعایت اخلاق انتخاباتی از این رهگذر نیز مورد انتظار است. قانون مطبوعات نیز همانند دو قانون فوق در خصوص جرم‌انگاری اخلاق انتخاباتی چندان اقبالی از خود نشان نداده و تقریباً رویکردی مشابه با دو قانون فوق دارد.

در فصل چهارم قانون مطبوعات، ماده (۶) ضمن اشاره به اینکه مطبوعات جز در مورد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی آزادند، حدودی را برای مطبوعات مقرر کرده است که ظاهراً نسبت به جرائم مذکور در فصل ششم این قانون «اخلاقی‌تر» به نظر می‌رسند. با این حال و در جمع، این حدود مقرر نیز از مصادیق اهانت، توهین، اشاعه فحشا، افترا، توهین به مقدسات اسلامی، توهین به مقامات رسمی، اقدام علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، فحاشی، نشر اکاذیب، الحاد و تبیذ و اسراف محسوب می‌شوند که در قانون مجازات اسلامی به‌عنوان جرم شناخته شده‌اند و از این جهت تازگی ندارند. ماده (۲۳) این قانون توهین یا افترا یا انتقاد خلاف واقع از جانب مطبوعات را مورد خطاب قرار داده و در این خصوص تکالیفی را برای نشریات مقرر کرده است. ماده (۲۵) تحریک مردم توسط مطبوعات به ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ماده (۲۶) موضوع اهانت به مقدسات اسلامی، ماده (۲۷) اهانت به رهبری و مراجع تقلید، ماده (۲۸) انتشار عکس یا مطالب خلاف عفت عمومی، ماده (۳۰) انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش یا الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین‌آمیز و نظایر آن و ماده (۳۱) انتشار مطلبی که متضمن تهدید به هتک شرف یا حیثیت یا افشای اسرار شخصی باشد را مورد

خطاب قرار داده‌اند. با مقایسه این عناوین مجرمانه با مصادیق آن در قانون مجازات اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که این عناوین و مصادیق در واقع مفهوماً با هم مشابهند. در حالی که لازم بود قانون مطبوعات در موضوع رفتار تبلیغات انتخاباتی تحت فصل جداگانه وارد شود و اقدام به مقرراتگذاری کند. علیهذا، آنچه در قانون مطبوعات در مورد اخلاق انتخاباتی مصداق یافته است، همان عناوین کلی‌اند که در قانون مجازات اسلامی به آنها پرداخته شده است.

بند «۳» - منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران

تدوین و انتشار منشورهای اخلاقی در عرصه‌های مختلف زندگی بشر، از راهکارهای مؤثر ترویج اخلاق و نهادینه‌سازی عمل به موازین اخلاقی است. در کشور ما انتخابات، عرصه شکل‌گیری رکن مردمی نظام و ضامن بقا و ثمردهی دستاوردهای شکوهمند انقلاب اسلامی است. انتخابات اخلاقی، از آشکارترین جلوه‌های سیاست اخلاقی و سیاست اخلاقی میدان عملی شدن بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی اجتماعی است.

ضرورت رعایت معیارهای جهانی منشورنویسی و لزوم مردمی بودن منشور اخلاقی انتخابات موجب شد تا وزارت کشور اقدام به اصلاح و تدوین منشور اخلاقی انتخابات کند که حاصل کار تدوین دومین منشور اخلاقی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران بود.

سرآغاز این منشور به «کلام نورانی وحی، حدیث شریف نبوی، فرازی از رهنمودهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و اصل ششم قانون اساسی» مزین است. در مقدمه این منشور آمده است: «قانونگرایی و احترام به



قانون از اصول مسلم اخلاقی است که در همه جوامع متمدن بر آن تأکید می‌شود. در منشور اخلاقی انتخابات نیز رعایت قوانین و مقررات انتخاباتی به‌عنوان قاعده اولی و اصل حاکم شناخته می‌شود. حفظ احترام و عزم بر عمل به اصل شصتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که سرفصل قوانین انتخابات است، مستلزم مراعات بسیاری از اصول ارزشی و اخلاقی ازسوی ارکان مختلف مرتبط با انتخابات است.»

متن اصلی این منشور از دو بخش «اصول ارزش‌های اخلاقی» و «آیین رفتار اخلاقی در انتخابات» تشکیل شده است. در بخش اول مقصود از اصول ارزش‌ها «کلی‌ترین اصول اخلاقی‌اند که منش و رفتارهای اخلاقی در انتخابات لازم است با آنها انطباق یابند». این اصول که در چهارده اصل تدوین شده‌اند، به قرار زیرند:

اصل اول: دین‌محوری و ارزش‌گرایی اسلامی،

اصل دوم: کرامت انسانی و عزت نفس،

اصل سوم: قانون‌محوری و قانون‌گرایی،

اصل چهارم: وفای به عهد و امانت‌داری،

اصل پنجم: احساس تعلق و مسئولیت جمعی،

اصل ششم: پاسخگویی و نقدپذیری،

اصل هفتم: صداقت و راستی،

اصل هشتم: وفاق و اعتماد اجتماعی،

اصل نهم: حق‌محوری و انصاف،

اصل دهم: مشارکت حداکثری،

اصل یازدهم: همبستگی، استقلال و اقتدار ملی،

اصل دوازدهم: پاک‌دستی و پرهیزکاری مالی،

اصل سیزدهم: حفظ منافع ملی و مصالح اسلامی و احترام به آنها،

اصل چهاردهم: رشد تعالی فرهنگ مناسب سیاسی - اجتماعی.

در بخش دوم «منظور از آیین رفتار اخلاقی، دستورالعمل‌های ویژه هریک از عناصر و ارکان دخیل در انتخابات است که به آن اصول و ارزش‌ها جامعه عمل می‌پوشاند». این بخش در ۶ بند تدوین شده است که مسئولیت‌های اخلاقی هریک از عوامل دخیل در انتخابات را برشمرده است:

۱. مجریان و برگزارکنندگان (وزارت کشور، هیئت‌های اجرایی، نیروهای انتظامی و...).
۲. ناظران؛ شورای نگهبان، قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (در انتخابات شوراها)،
۳. مطبوعات و رسانه‌ها،
۴. نخبگان و شخصیت‌های تأثیرگذار،
۵. داوطلبان، نامزدها، احزاب و ستادهای انتخاباتی،
۶. انتخاب‌کنندگان.

متن منشور برای نمایندگان ۲۲ سازمان مردمی و دولتی، در کمیته ترویج منشور اخلاقی انتخابات قرائت شد و پس از بررسی و تکمیل، در آن کمیته به تصویب رسید. در ضمن این منشور دارای ضامم سه‌گانه درباره «آسیب‌شناسی‌های اخلاقی در انتخابات، بسترهای بروز آسیب‌های اخلاقی و راهکارهای برون‌رفت از آن و



شیوه‌های ترویج منشور اخلاقی انتخابات» است که در اختیار کمیته تدوین و ترویج منشور انتخابات قرار گرفته است.^۱

آنچه مسلم است، اینکه تدوین این منشور گام اساسی در تلاش برای نهادینه ساختن و ضمانت اجرایی بخشیدن به اصول و قواعد اخلاقی در فعالیت‌های انتخاباتی است. با این حال این اصول و قواعد در قالب «منشور» تدوین شده‌اند و دارای ضمانت اجرایی نیستند. این منشور را می‌توان مقدمه‌ای در جهت اخلاقی‌سازی فرآیندهای انتخاباتی در کشور قلمداد کرد. این منشور همچنین اصول راهنمای مؤثری برای مجلس شورای اسلامی است که از طریق آن اقدام به تدوین و وضع کدهای رفتاری انتخابات کرده و در مسیر الزام‌آور ساختن راهکارها و آموزه‌های اخلاقی برای رشد و بالندگی و توسعه سلامت انتخابات در نظام جمهوری اسلامی گام بردارد.

۳. خلأهای قانونی

با توجه به بررسی قوانین مرتبط با اخلاق انتخاباتی در کشور، حوزه‌هایی که لازم است اقدام تقنینی از سوی مقنن صورت گیرد، مشخص می‌شود. این حوزه‌ها که ذیلاً بررسی می‌شوند، در واقع مصادیق اخلاق انتخاباتی به حساب می‌آیند.

بند «۱» - نامزدها

البته برخی در تعریف مصادیق اخلاق انتخاباتی به اصول اخلاقی اشاره می‌کنند که اصول محض اخلاقی‌اند و رعایت آنها فقط بستگی به وجدان داوطلب دارد، نظیر:

۱. به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عبادت و بندگی خدا، پایداری در برابر مشکلات، برخورداری از بینش، اندیشیدن به آسایش مردم، دوری از ریاست‌طلبی و...، اما در تعریف مصادیق اخلاق انتخاباتی باید مصادیق عینی و قابل احراز ذکر شوند. هدف از وضع قانون اخلاق انتخاباتی صدور دستورالعمل دینی یا شرعی نیست، بلکه هدف آن جلوگیری از ناهنجاری‌ها و بداخلاقی‌هاست و الا شرطی اخلاقی نظیر عبادت و بندگی خدا برای همه مسلمانان محرز و مسلم است مگر خلاف آن ثابت شود. در اینجا مصادیقی ذکر می‌شوند که بیشتر جنبه کاربردی داشته و با «انتظام اخلاقی انتخابات» ارتباط دارند. این مصادیق عبارتند از:

۱. «شرح صدر»: شرایط داوطلبان انتخابات ریاست‌جمهوری در کشور به‌گونه‌ای است که تعداد ثبت‌نام‌کنندگان معمولاً در یک حد غیرمتعارف و بیش از حد مورد انتظار رخ می‌دهد.^۲ طبیعی است که شورای نگهبان - همچنان که تجربه نشان

1. PERSPECTIVE or TOLERANCE

۲. دوره اول: در نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری که در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۵ برگزار شد، ۱۲۴ نفر داوطلب شدند که صلاحیت هیچ‌کدام رد نشد و تمامی این افراد یکجا وارد رقابت سیاسی شدند.

دوره دوم: این انتخابات در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲ برگزار شد تعداد داوطلبین ۷۱ نفر بود که فقط صلاحیت ۴ نفر تأیید شد.

دوره سوم: در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۱۰ برگزار شد که ۴۶ نفر داوطلب شدند و تنها ۴ نفر مورد تأیید قرار گرفتند.

دوره چهارم: در تاریخ ۱۳۶۴/۵/۲۵ برگزار شد که ۵۰ نفر داوطلب شدند و فقط ۳ نفر تأیید شدند.

دوره پنجم: در تاریخ ۱۳۶۸/۵/۶ برگزار شد که ۷۹ نفر داوطلب بودند که صرفاً ۲ نفر تأیید شدند.

دوره ششم: در تاریخ ۱۳۷۱/۳/۲۱ برگزار شد که از میان ۱۲۸ داوطلب تنها ۴ نفر تأیید شدند.

دوره هفتم: در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۲ برگزار شد و از میان ۲۳۸ نفر، ۴ نفر تأیید شدند.

دوره هشتم: در تاریخ ۱۳۸۰/۳/۱۸ برگزار و از بین ۸۱۷ داوطلب ۱۰ نفر تأیید شدند (به‌نقل از: رمضان شعبانی سارویی، تحلیلی بر انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، نشر معاونت سیاسی نسما (معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج)، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۴۴ به بعد).

دوره نهم: در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۷ و ۱۳۸۴/۴/۳ برگزار و از بین ۱۰۱۴ نفر داوطلب ۶ نفر تأیید شدند.



می‌دهد - براساس وظیفه قانونی خود و در تطبیق شرایط داوطلبان با شرایط مورد نظر قانون، صلاحیت برخی از آنها را احراز نکرده و این نامزدها اصطلاحاً «رد صلاحیت» می‌شوند. قانون باید رعایت این نکته اخلاقی را ازسوی کلیه ثبت‌نام‌کنندگان لازم بداند که در صورت رد صلاحیت، «شرح و سعه صدر اسلامی داشته و متانت خود را حفظ و از جنجال‌آفرینی دوری کنند».^۱ قانون باید این «تعهد اخلاقی» را به «تعهد حقوقی» بدل کند و برای تخلف از آن مجازات تعیین کند.

۲. «قانونگرایی اخلاقی»: اساساً مبنای فلسفی رعایت اکثر قوانین و مقررات به اخلاق اجتماعی بازمی‌گردد. رعایت قانون خود نمونه‌ای از اصول متعالی اخلاقی است که در تمامی جوامع بشری از آن به‌عنوان یک صفت نیکو یاد می‌شود، اما رعایت اخلاقی قانون و قانونگرایی فطری هر چقدر هم زیبا و دلربا باشد، بدون الزام و اجبار نمی‌توان خوشبینانه به آن نگاه کرد. زیرا در تمام جوامع در کنار کسانی که قانون را اخلاقاً رعایت می‌کنند، کسانی نیز وجود دارند که بدون وجود اجبار و الزام، حاضر به اطاعت از قوانین نیستند. «احترام به قوانین و مقررات انتخابات در همه مراحل انتخابات»^۳ تعهد اخلاقی کلیه دست‌اندرکاران انتخاباتی در کشور است، اما در مورد خاص نامزدها و داوطلبین، لازم است که قانون برای آنها الزام و اجبار حقوقی ایجاد کند. از میان راهکارهای متنوع قابل دسترس برای الزام نامزدها به رعایت قوانین و

دوره هم: در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۴ برگزار و از بین ۴۷۴ نفر داوطلب ۴ نفر تأیید شدند.

دوره یازدهم: در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۴ برگزار شد و از بین ۶۸۶ نفر داوطلب ۸ نفر تأیید شدند.

۱. بند «۶» از بخش اول از فصل اول منشور اخلاق انتخابات جمهوری اسلامی ایران.

2. Moral Law- Abidingness

۳. بند «۱» از بخش اول از فصل اول منشور اخلاق انتخابات جمهوری اسلامی ایران.

مقررات انتخاباتی، می‌توان به راهکار اخذ وثیقه از نامزدها اشاره کرد، البته همین عنوان «الزام نامزدها به رعایت قوانین و مقررات انتخاباتی» می‌تواند فتح بابی باشد برای وضع قانون اخلاق انتخاباتی.

۳. دید «تکلیف‌گرایانه»^۱ به انتخابات، نه نگاه «سودانگاران»^۲ ورود به رقابت‌های سیاسی در نظام‌های سیاسی - مذهبی با تعهد به ایفای تکلیف اخلاقی عجین شده است. در این‌گونه نظام‌های سیاسی نیل به پست‌های سیاسی در جهت خدمت است نه استفاده از آن در راستای رسیدن به منافع و سود شخصی یا گروهی. مثلاً نامزدی که از باب ادای تکلیف اخلاقی وارد عرصه رقابت می‌شود، با رد صلاحیت وی در شورای نگهبان، تکلیف از عهده وی ساقط است و اگر این نامزد - خارج از حدود قانونی - اقدامی در جهت نفی این رد صلاحیت انجام دهد و شروع به جنجال‌آفرینی کند، مشخص می‌شود که ورود وی به عرصه‌های سیاسی نه برای خدمت، بلکه برای کسب قدرت بوده است.

اما قانونگذار از چه طریق می‌تواند برای این تعهد اخلاقی، الزام حقوقی ایجاد کند. در این خصوص باید گفت که اگرچه در انتخابات آزاد و منصفانه، کلیه شهروندانی که واجد شرایط مقرر در قانون باشند، می‌توانند به‌عنوان داوطلب ثبت‌نام کنند، اما همچنان که مشخص است اولاً در دمکراسی‌های لیبرال و لائیک، این حق یک حق مطلق نیست، بلکه یک «حق مشروط» است. (مشروط به داشتن شرایط مقرر در قانون). ثانیاً در مردم‌سالاری دینی به لحاظ اخلاقی بودن برخی از عرصه‌ها -

1. Responsibly
2. Utilitarianism



مخصوصاً عرصه حقوق و سیاست - تصاحب سکان قدرت و سیاست تنها برای صالحین از باب شایستگی‌شان و صرفاً به منظور ادای تکلیف الهی و خدمت به خلق در صورت انتخاب شدن است. قانونگذار جمهوری اسلامی از طرق مقرر قانونی به داوطلبین و رقبای سیاسی تفهیم و آنان را به این امر ملزم می‌کند که ورود به صحنه رقابت برای نیل به مناصب سیاسی از باب ادای «تکلیف» بوده و برای آنها ایجاد حق - یا نهایتاً حق مطلق - نمی‌کند و ایفای این تکلیف یا استیفای این حق مشروط و مقید، منوط به احراز صلاحیت هر نامزد با توجه به شرایط مقرر قانونی توسط شورای نگهبان خواهد بود.

۴. اسراف نکردن در تبلیغات: قطع نظر از اینکه اسراف به تنهایی در کلیه جوانب اجتماعی و از جمله تبلیغات انتخاباتی یک اقدام ضد اخلاقی است و صرف نظر از اینکه این قاعده ضد اخلاقی در اکثر نظام‌های سیاسی به عنوان یک قاعده حقوقی پذیرفته شده و برای جلوگیری از زیاده‌روی در هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی مجازات‌هایی تعیین شده‌اند، با این حال در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم اخلاقی بودن نظام، در این موضوع با سکوت قانون مواجهیم. در همه انتخابات‌ها نیز حیف و میل‌های متعددی را می‌بینیم که حتی در برخی موارد به نظر می‌رسد از اموال دولتی و بیت‌المال نیز در راستای تبلیغات شخصی استفاده می‌شود. قانونگذار می‌تواند برای مخارج تبلیغات انتخاباتی سقفی را تعیین و کلیه رقبای سیاسی را ملزم کند که میزان واقعی مخارج و هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی را به یک مرجع خاص

اعلام کنند. طبعاً با تعیین مجازات برای کسانی که از این سقف مقرر تجاوز کرده‌اند، اقدامی پیشگیرانه در این موضوع صورت می‌گیرد.

البته هزینه‌ها و مخارج انتخاباتی از بُعدی دیگر نیز مطرح است: میزان کمک مالی دریافتی توسط هر نامزد از حامیان خود. در برخی کشورها لابی‌ها یا تجار و بازرگانان و اتحادیه‌های تجاری برای تضمین بقای خود در عرصه رقابت‌های اقتصادی در بازار، اقدام به خرید مناصب حکومتی و سیاسی می‌کنند. آنان با حمایت مالی از نامزدی خاص در رقابت‌های انتخاباتی، این وعده را از این نامزدها می‌گیرند که به محض پیروزی در انتخابات و تصاحب منصب سیاسی، امکانات و تسهیلات دولتی را متوجه منافع خاص این حامیان کند. در اکثر کشورها برای جلوگیری از نفوذ این گروه‌های ذینفوذ، معمولاً یا دریافت کمک مالی را ممنوع می‌کنند یا سقف خاصی را برای آن در نظر می‌گیرند که عدول از سقف معین، متضمن مجازات‌های مقرر خواهد بود. در میان قوانین و مقررات انتخاباتی کشور ما جای این مقرر نیز خالی است.

۵. صداقت در گفتار، احترام متقابل، پرهیز از هتک حرمت و دوری از تهمت و

افترا: البته این عناوین مجرمانه همچنان که در بخش قبلی بررسی کردیم، تنها جنبه‌ای از اخلاق انتخاباتی است که هم در قوانین انتخاباتی، هم قانون مطبوعات و هم قانون مجازات اسلامی، مقرراتگذاری شده و نسبت به آن مجازات‌هایی مقرر شده‌اند، البته در صورت وضع قانون اخلاق انتخاباتی، تأکید بر صداقت در گفتار، احترام متقابل، پرهیز از هتک حرمت و دوری از تهمت و افترا به‌عنوان اصول والای اخلاق انتخاباتی ضروری می‌نماید.



پرهیز از دادن وعده‌های واهی، پرهیز از شعارزدگی، پرهیز از اختلافات، دوری از فریبکاری و عمل به وعده‌هایی که به حامیان خود داده و توجه به نظریات مخالفان از دیگر حوزه‌هایی‌اند که نیاز به وضع مقرر قانونی دارند.

بند «۲» - مجریان (وزارت کشور، هیئت‌های اجرایی، نیروهای انتظامی و...)
اگر قوانین انتخابات، مجازات اسلامی و مطبوعات حداقل در مورد رعایت برخی از اصول اخلاقی توسط نامزدها اقدام به قاعده‌گذاری کرده‌اند، اما در مورد دیگر عوامل دخیل در انتخابات، نظیر مجریان و ناظران با خلأهای قانونی عدیده مواجهیم. این خلأهای قانونی همچنان که مورد توجه منشور اخلاق انتخابات^۱ قرار گرفته، به قرار زیر است:

- اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های انتخاباتی، به دور از اعمال سلیقه‌های جناحی، حزبی و شخصی،
- پیروی از تفسیر مراجع رسمی صلاحیت‌دار از قوانین و مقررات انتخابات و پرهیز از اظهار یا اعلان تفاسیر سلیقه‌ای،
- تعامل دوستانه و سازنده با ارکان دخیل در انتخابات، در جهت برگزاری هر چه سالم‌تر و آرام‌تر آن،
- به‌کارگیری افراد آموزش‌دیده و باتجربه و دارای حسن سلوک، بدون توجه به گرایش‌های سیاسی،

۱. بخش اول فصل دوم منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران.

- حفظ بی‌طرفی کامل در برخورد و تعامل با گرایش‌های مختلف سیاسی رقابت‌کننده در انتخابات،
- فراهم‌سازی یکسان زمینه رقابت سالم برای همه نامزدها، به دور از هرگونه تبعیض در اعطای فرصت‌ها و امکانات،
- اهتمام به مشارکت حداکثری صاحبان حق رأی،
- اطلاع‌رسانی دقیق و به‌موقع درباره وظایف محول به مراجع ذیربط، رسانه‌ها و افکار عمومی،
- گزارش به‌موقع، شفاف و کامل تخلف‌های انتخاباتی به مراجع مربوط،
- برخورد و تعامل برابر با گروه‌های مختلف قومی، مذهبی، جنسیتی، طبقاتی، صنفی و...
- صیانت از آرای ملت و حساسیت درباره هرگونه تقلب و دستکاری و جلوگیری از آن،
- انتقادپذیری و پاسخ در برابر مراجع قانونی و افکار عمومی،
- حفظ بی‌طرفی در اظهارات رسمی درباره نامزدها و طرفداران آنان،
- همکاری صمیمانه و همدلانه مسئولان سازمان‌ها، ادارات و نهادها با مجریان و ناظران در جهت برگزاری هرچه سالم‌تر و آرام‌تر انتخابات،
- تلاش سازمان‌ها، ادارات و نهادها در جهت آموزش همگانی برای شرکت آگاهانه و مسئولانه در انتخابات، به دور از هرگونه تهدید و تطمیع کادر اداری و مردم،
- صیانت از اطلاعات شخصی، محرمانه و طبقه‌بندی شده سازمان‌های دولتی درباره انتخابات، به‌ویژه اطلاعات مربوط به نامزدها و داوطلبان،



- برخورد قاطع و ضابطه‌مند نیروهای انتظامی با برهم زندگان نظم عمومی و هنجارهای اجتماعی و اهتمام جدی در انجام وظیفه انتظامی و حفاظتی در شعب اخذ رأی،
- حساسیت قانونی نیروهای انتظامی، در قبال حفظ حریم و حدود و ضوابط قانونی و برخورد بدون اغماض با قانون‌شکنان،
- اجتناب نیروهای نظامی از ورود به جناح‌بندی‌های سیاسی و جانبداری یا مخالفت با نامزدها، گروه‌ها، احزاب یا جریان‌های انتخاباتی و توجه به ایفای نقش حرفه‌ای خود در اتحاد و همبستگی ملی.

بند «۳» - ناظران: شورای نگهبان، قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (در انتخابات شوراها)

دستگاه‌های نظارتی دخیل در انتخابات نیز به نوبه خود در قبال رعایت اخلاق انتخاباتی متعهدند. مثلاً ناظران شورای نگهبان در فرآیند انتخابات نقش اساسی را ایفا می‌کند و رعایت اصول اخلاقی نظیر بی‌طرفی در بررسی صلاحیت‌های داوطلبان توسط آن از جنبه‌های مغفول در قوانین انتخاباتی کشور به‌شمار می‌آید. خلأهای موجود در این بخش عبارتند از:

- احترام و رعایت قوانین و مقررات انتخابات در حوزه نظارت،
- رعایت بی‌طرفی در نظارت و بررسی صلاحیت‌ها،
- به‌کارگیری افراد آموزش‌دیده و باتجربه، بدون توجه به گرایش‌های سیاسی.
- تأکید بر حضور کافی و مؤثر ناظران در همه شعب رأی‌گیری،

- نظارت بر گزارش به موقع، شفاف و کامل تخلف‌های انتخاباتی به مراجع مربوط،
- همکاری صمیمانه با مجریان و پرهیز از دخالت‌های غیرقانونی در کار آنان،
- اطلاع‌رسانی به موقع از رد صلاحیت‌ها با حفظ حیثیت اجتماعی افراد،
- رسیدگی دقیق و بهنگام به شکایات، با پرهیز از هرگونه تبعیض میان افراد و جریان‌های مختلف انتخاباتی،
- دقت در حفظ اسرار داوطلبان و نامزدها و صیانت از اطلاعات طبقه‌بندی شده انتخاباتی،
- رعایت حیثیت اجتماعی و آبروی نامزدها در تحقیقات محلی،
- انتقادپذیری و پاسخگویی در برابر مراجع قانونی و افکار عمومی،
- تلاش قوه قضائیه در فراهم‌سازی زمینه برخورد قاطع با تخلف‌های انتخاباتی.^۱

بند «۴» - مردم، رسانه‌ها و گروه‌های سیاسی و نامزدهای شکست‌خورده در انتخابات

- مردم باید از شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری‌ها بپرهیزند و پس از تحقیق لازم، افرادی باتقوا، عاقل، عادل و اهل عمل را برگزینند و از تقلید کورکورانه از افراد یا احزاب دوری کنند.
- از تحقیر نامزدها و هواداران بپرهیزند. در جلسه‌های نامزدهای انتخاباتی، از پرسش‌های بیجا خودداری و حرمت یکدیگر را رعایت کنند. ویژگی شرکت در جلسه‌ها، آشنایی بیشتر با دیدگاه و برنامه‌های نامزدهاست.

۱. بخش دوم از فصل دوم منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران.



- از مجادله با افراد و گروه‌ها که موجب هتک حرمت نامزدها می‌شود، پرهیز کنند و با حفظ وقار انتخاباتی، واقع‌نگری را پیشه سازند.

از طرف دیگر، انتخابات همچنان که از عنوان آن پیداست، فرآیندی است که در طی آن قطعاً فرد یا حزبی پیروز شده و بسیاری از افراد و احزاب و گروه‌های سیاسی بازنده آن خواهند بود. این نکته در تجربه سال ۱۳۸۸ بسیار حیاتی بود. نتیجه انتخابات در یک جامعه مردم‌سالار و کثرت‌گرا باید مورد قبول کلیه بازندگان و برندگان آن باشد. وقتی که تمامی فرآیندهای انتخاباتی همراه با نظارت شدید شورای نگهبان برگزار شده است، ایراد اتهام مبنی‌بر وقوع تخلف در انتخابات اخلاقاً امر پسندیده‌ای نیست. البته قانون انتخابات همواره راه شکایت و اعتراض به نتیجه انتخابات را باز گذاشته است. هر فردی که مدعی وقوع تقلب در انتخابات است، می‌تواند در این فرآیند وارد شده و شکایت خود را از طرق قانونی پیش بکشد. اگر قرار باشد که پس از انتخابات، بازندگان با تظاهرات خیابانی و ادعاهای واهی مبنی‌بر وقوع تخلف و تقلب در انتخابات آرامش و نظم عمومی را مخدوش کنند، در این صورت دیگر انتخابات چه معنایی خواهد داشت، البته این اقدامات علاوه‌بر آنکه طبق قوانین جاری کشور جرم محسوب می‌شوند، اخلاقاً نیز قبیح خواهند بود.

بخش سوم و ششم از فصل دوم منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران اصول و قواعد اخلاقی در این زمینه را تدوین کرده است که به‌نظر می‌رسد همان خلأهای قانونی در این عرصه باشند:

رسانه‌های دولتی و عمومی

- احترام به قوانین و مقررات انتخابات،
- اهتمام به آموزش، رشد و آگاهی عمومی در زمینه انتخابات و لوازم آن و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات،
- ترویج اصول و ارزش‌های اخلاقی انتخابات و به‌کارگیری ادبیات صادقانه، وحدت‌بخش، امیدوارکننده و نشاط‌آور در عرصه انتخابات،
- فراهم‌سازی زمینه بدون تبعیض برای تبلیغات همه نامزدها و جریان‌های انتخاباتی (در حدودی که قانون اجازه می‌دهد)،
- حفظ بی‌طرفی کامل انتخاباتی و صیانت از لوازم انتخابات آزاد،
- رعایت قواعد ناظر به آرامش و نظم عمومی در انتخابات و پرهیز از هرگونه فضا سازی به سود یا زیان حزب یا نامزد خاص.

رسانه‌های خصوصی

- احترام به قوانین و مقررات انتخابات،
- اهتمام به آموزش، رشد و آگاهی عمومی در زمینه انتخابات و لوازم آن و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات،
- ترویج نگاه وظیفه‌گرایانه و قانون‌مدار به تبلیغات انتخاباتی و پرهیز از نگاه کاسب‌کارانه به آن،
- حمایت معقول و اخلاقی از حزب و جریان متبوع با پرهیز از تخریب و نادیده گرفتن شایستگی‌های احزاب و جریان‌های رقیب،



- احترام به ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب و نظام اسلامی و پرهیز از انتشار مطالب موهن درباره افراد حقیقی و حقوقی،

- رعایت قواعد ناظر به حفظ آرامش و نظم عمومی و پرهیز از فریب افکار عمومی به سود یا زیان حزب یا نامزد خاص و تحریک تعصبات قومی، مذهبی، صنفی، گروهی و محلی،
- کمک به ایجاد فضای نقد منصفانه و مشفقانه درباره عملکرد ارکان انتخابات و دوری از هرگونه اعتماد به گزارش‌ها و القائات بیگانگان و معاندان نظام اسلامی،

انتخاب‌کنندگان

- احترام به قوانین و مقررات انتخابات و همکاری با مجریان و عوامل انتخابات،

- کسب آگاهی درباره قوانین مربوط به رأی‌دهندگان و رعایت دقیق آنها،

- مشارکت فعال و مسئولانه در انتخابات، به‌منزله وظیفه‌ای دینی، ملی و تشویق محترمانه سایر شهروندان به مشارکت در انتخابات،

- تلاش برای کسب آگاهی دقیق درباره نامزدها و احزاب و برنامه‌های آنها، برای اتخاذ تصمیم متعهدانه در انتخاب اصلح،

- اهتمام به کسب آگاهی درباره معیارهای یک انتخاب درست و پرهیز از تعصبات قومی، مذهبی، محلی،

- رعایت احترام نامزدها و احزاب‌ها و طرفداران آنها،

- اهتمام به نظارت اجتماعی و انجام درست فریضه امر به معروف و نهی از منکر در انتخابات برای پیشبرد اهداف یک انتخابات سالم،

- شناخت اهمیت و ارزش حق رأی، به‌منزله حقی غیرقابل واگذاری و معامله،

- احترام به نگرش‌ها و سلیقه‌های مختلف سیاسی و پرهیز از بدبینی و بدگمانی،
- هوشیاری در برابر تبلیغات بیگانگان.

نتیجه‌گیری

در این گزارش با بررسی روابط بین اخلاق و حقوق نتیجه گرفتیم که بین حقوق و «نوعی از اخلاق» رابطه برقرار است. این رابطه در نظام‌های سیاسی - مذهبی به شکل قواعد مذهبی نمود یافته و با ورود این قواعد در ساحت حقوق شاهد «اخلاقی‌سازی حقوقی» یا «حقوق اخلاقی» باشیم. اعمال و کاربست این حقوق اخلاقی در عالم عمل منتهی به «سیاست اخلاقی عملی» می‌شود که از این طریق، قواعد و اصول اخلاقی می‌توانند به‌عنوان قواعد بازی در عالم سیاست به‌کار گرفته شوند. خلأهای قانونی اخلاق انتخاباتی را که باید توسط داوطلبان، طرفداران آنها، ناظران، مجریان و احزاب و گروه‌های سیاسی در جریان انتخابات، آنها را رعایت کرد، ذکر کردیم. در بررسی مقرراتگذاری در باب اخلاق انتخاباتی نیز با نیم‌نگاهی به حقوق در سطح بین‌المللی و حقوق تطبیقی به این نتیجه رسیدیم که اخلاق و حقوق و سیاست در صحنه بین‌الملل و اکثریت قریب به اتفاق کشورها حوزه‌های جداگانه‌ای‌اند و مطرح کردن اخلاق انتخاباتی در عرصه بین‌الملل و حقوق تطبیقی راه به جایی نمی‌برد، البته نوعی از اخلاق انتخاباتی که بیشتر ناظر بر تضمین شرایط «انتخابات آزاد و منصفانه» باشد، تحت عنوان «کد رفتار انتخاباتی» در بسیاری از کشورها جنبه تقنینی به خود گرفته است که البته با اخلاق انتخاباتی مورد نظر ما تفاوت‌های اساسی دارد. البته در نظام

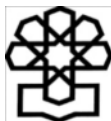


جمهوری اسلامی ایران قواعد اخلاقی می‌توانند از طریق همان عنوان «کد رفتار انتخاباتی» که صبغه اخلاقی داشته باشند، وارد عرصه حقوقی کشور شوند که اهتمام آن برعهده مجلس شورای اسلامی است. با غور و بررسی در قوانین انتخاباتی کشور و همچنین قانون مجازات اسلامی به این نتیجه رسیدیم که جرم‌انگاری بداخلاقی‌های انتخاباتی تاکنون مورد توجه مقنن جمهوری اسلامی ایران نبوده و خلأهای قانونی و کاستی‌های موجود را که نیاز به اقدام واضعانه مجلس دارد، نیز برشمردیم. در نهایت با بررسی اجمالی منشور اخلاقی انتخابات جمهوری اسلامی ایران (که این بار نه از طرف قانونگذار، بلکه از طرف حوزه علمیه قم تدوین شده است) به این عقیده نائل شدیم که این منشور می‌تواند در تدوین قانون اخلاق انتخاباتی یا کد رفتار انتخاباتی راهگشای مجلس شورای اسلامی باشد تا با وضع این قانون چشم طمع بیگانگان را در دخالت در امور این کشور از طریق بهره‌برداری از بداخلاقی‌های برخی از عوامل ذی‌مدخل در انتخابات ببندد.

منابع و مأخذ

۱. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سی‌ودوم، ۱۳۸۱.
۲. دوورژه، موریس. اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، نشر جامعه و اقتصاد، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.
۳. فرانکنا، ویلیام کی. فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، طه، قم، ۱۳۷۶.
۴. حسینی، سیداکبر. اخلاق و حقوق، مجله رواق اندیشه، شماره ۱۴.

۵. اسلامی، سیدحسن. نسبت اخلاق و سیاست؛ بررسی چهار نظریه، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۶.
۶. شعبانی سارویی، رمضان. تحلیلی بر انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، نشر معاونت سیاسی نمسا (معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج)، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
8. N.E. Simonds. "Law and Morality", in :Routledge Encyclopedia of Philosophy.
9. Robert Alexy, The Argument From Injustice, A Reply to Legal Positivism, [Oxford University Press](#): Feb 2003, pp. 10-82.
10. Guy S. Goodwin - Gill, CODES OF CONDUCT FOR ELECTIONS, A Study Prepared for the Inter-Parliamentary Union, Geneva, 1998, p. ix.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۰۰۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ویژه‌نامه تا انتخاب یازدهم (۶) اخلاق انتخاباتی

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: مهدی نژادخلیلی

ناظر علمی: ابودر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. اخلاق انتخاباتی

۲. انتخابات

۳. جرم‌انگاری اخلاق انتخاباتی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۳/۱۹